

جدول ۴: گرانتر قیمت گذاری قطعات واسطه‌ای وارداتی توسط شرکت‌های خارجی: کلمبیا ۱۹۶۸

صنایع الکترونیک			صنایع شیمیایی			صنایع لاستیک			صنایع دارویی			ساخت مالکیت	
الف	ب	پ	الف	ب	پ	الف	ب	پ	الف	ب	پ		
مالکیت خارجی	۵۰٪	۲۵٪	۱۵۵٪	۳۳٪	۶۰٪	۲۰٪	۳۰٪	۱۲٪	۲۵/۵٪	۴۰٪	۹۰٪	۶۰٪	۱۶٪
مالکیت مشترک	—	—	—	—	—	—	—	—	۲۰/۱۲٪	۵۰٪	۹۰٪	۵۰٪	۴٪

کد: الف: درصد تقریبی فروش شرکت‌های نمونه به نسبت کل فروش سایر شرکت‌ها با ساخت مالکیت مشابه
 ب: کل حجم واردات نمونه‌گیری شده و ارزیابی شده بعنوان درصدی از کل واردات شرکت
 پ: متوسط گرانتر قیمت گذاری واردات ارزیابی شده
 —: آمار موجود نیست.

- اطلاعات مربوط به هر شرکت در این مورد از قرار زیر است: (درصد): شرکت ۱: ۲۵۳/۹:۱، شرکت ۲: ۱۳۳/۷:۲، شرکت ۳: ۱۳۲/۸:۳، شرکت ۴: ۳۰۹/۲:۴، شرکت ۵: ۴۸۳:۵، شرکت ۶: ۳۹/۵:۶، شرکت ۷: ۱۷۹/۴:۷، شرکت ۸: ۷۹/۱:۸، شرکت ۹: ۸۵/۳:۹، شرکت ۱۰: ۷۸/۸:۱۰، شرکت ۱۱: ۴۷۵/۴:۱۱، شرکت ۱۲: ۳۷۴/۷:۱۲، شرکت ۱۳: ۱۷۷/۵:۱۳، شرکت ۱۴: ۱۶۴/۸:۱۴، شرکت ۱۵: ۶۰/۴:۱۵، شرکت ۱۶: ۴۷۶/۹:۱۶، شرکت ۱۷: ۳۴/۴:۱۷.

واقعی در مورد بعضی محصولات خاص روی می‌دهد، باشد. مثلاً تتراسیکلین^۱ آنتی‌بیوتیک جدیدی که به‌شکلی فزاینده جایگزین پنیسیلین می‌شود، بین ۹۴۸ تا ۹۸۷ درصد گرانتر از قیمت عادی، قیمت گذاری شده بود. لیبریوم و والیوم، داروهایی که برای درمان بیماری‌های روانی به‌کار می‌رود، بترتیب تا ۶۵۰۰ درصد و ۸۲۰۰ درصد گرانتر قیمت گذاری شده بودند؛ این گرانتر قیمت گذاری در مورد ترانزیستور-های الکترونیکی تا ۱۱۰۰ درصد و موتورهای الکتریکی تا ۴۰۴ درصد بوده. چه کسی هزینه این گرانتر قیمت گذاری را در مورد اقلامی چون تتراسیکلین می‌پردازد؟ این مصرف‌کننده کلمبیایی بود که در کشوری که درآمد سرانه حدود ۳۰۰ دلار است، چنین هزینه‌ای را می‌پرداخت. کل ارزش گرانتر قیمت گذاری در مورد اقلامی که بطور واقعی نمونه‌گیری شده بود، در چهار شعبه صنعتی بالغ بر متجاوز از ۴ میلیون دلار می‌گردید. اگر فرضاً بتوان این گرانتر قیمت گذاری را بطور متوسط به کل شعبه صنعت دارویی شرکت‌های چند ملیتی تعمیم داد، و دلیلی نیست که نتوان چنین کرد، آنگاه، کل ضرر تراز پرداخت‌های کشور کلمبیا در سال ۱۹۶۸ در حدود ۲۰ میلیون دلار و ضرر دولت از محل درآمدهای مالیاتی در حدود ۱۰ میلیون دلار، آن‌هم تنها از یک شعبه صنعت، بالغ می‌گردید.

تجارت مثلثی^۱: قیمت‌گذاری و حق‌الامتیازها www.golshan.com

در بررسی‌های کلمبیا، روشن شد که نسبت بزرگی از واردات گرانتر قیمت‌گذاری شده، از طریق يك «تجارت مثلثی» صورت گرفته. طی این نوع تجارت، کالاها از محل شرکت مادر در امریکا و یا اروپا و یا شرکت تابعه شرکت مادر، به يك شرکت در پاناما ارسال می‌شود. در پاناما، که يك «پناهگاه مالیاتی» است، قیمت این کالاها به سطح تعیین شده افزایش یافته و از آنجا به کلمبیا ارسال می‌گردید. به این ترتیب شرکت‌های چند ملیتی مربوطه، از پرداخت مالیات بر درآمد واقعی خود، هم در کشور صادرکننده و هم در کشور کلمبیا، سر باز زدند.

پاناما نقش دیگری را نیز ایفا می‌کند. شرکت‌های سهامدار (هولدینگ) بسیاری از شرکت‌های چند ملیتی امریکایی و اروپایی در پاناما، شرکت‌هایی هستند که اغلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی آنها در امریکای لاتین، به نام این شرکت‌ها ثبت شده است. مثلاً در پرو، پاناما دومین کشوری است که سرمایه‌گذاری خارجی در آن به ثبت رسیده است. این روش امکان می‌دهد که شرکت‌های چند ملیتی پرداخت‌های مربوط به حق‌الامتیازها و حق‌الزحمه‌ها را به پاناما ارسال دارند، و به آنها، با حداکثر انعطاف‌پذیری، امکان می‌دهد که درآمدهای خود را نهایتاً به هر کجا که مایل باشند گزارش کنند. در آمدی که از طریق حق‌الامتیازها و حق‌الزحمه‌ها حاصل می‌شود، به‌تنهایی بسیار زیاد است و در واقع در اغلب موارد به مراتب بالاتر از سودهای گزارش شده‌ای است که

1. Triangular Trade

شرکت‌های چند ملیتی از شرکت تابعه خود دریافت می‌دارند. در گروه کشورهای آند، حق‌الامتیازهای پرداختی از طرف شرکت‌های تابعه به شرکت مادر بسته به شرکت، حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد فروش ناخالص و یا خالص، تثبیت شده است. از آنجا که بخش قابل ملاحظه‌ای از قیمت فروش نهایی بر قیمت قطعات وارد شده که گرانتر قیمت گذاری شده‌اند، متکی است، شرکت‌های چند ملیتی سودهای غیراستحقاقی خود را، اول از طریق گرانتر قیمت گذاری واردات و دوم از طریق گرانتر قیمت گذاری حق‌الامتیازها، چند برابر می‌کنند. درآمدهایی که به این ترتیب حاصل می‌شود هم به نسبت سودهای گزارش شده شرکت‌های چند ملیتی و هم به نسبت کمبود ارز خارجی این کشورها، بسیار زیاد است. بدینسان در شیلی، جریان خروجی حق‌الامتیازها سه برابر بیشتر از وجود ارسال است، و در کلمبیا پرداخت حق‌الامتیازها به تنهایی حدود ۱۰ درصد درآمد صادرات غیر قهوه را تشکیل می‌دهد.

نرخ بازگشت گزارش شده در مقابل نرخ بازگشت واقعی

ارقام بالا واقعیت را بخوبی نشان می‌دهند. حال می‌توانیم این ارقام را به «سودهای گزارش شده» و حق‌الامتیازها و حق‌الزحمه‌های پرداختی توسط شرکت تابعه شرکت چند ملیتی، اضافه نماییم. گرانتر قیمت گذاری واردات، بعلاوه سودهای گزارش شده، حق‌الامتیازها و حق‌الزحمه‌ها، به روی هم جمع کل ارزش دلاری سودهایی را که یک

شرکت تابعه در يك سال خلق می‌کند، تشکیل می‌دهد. این جمع کل ارزش دلاری «سودهای مؤثر» به ارزش خالص اعلام شده سرمایه-گذاری شرکت تابعه (بعلاوه درآمدهای مجدداً سرمایه‌گذاری شده) تقسیم می‌شود. نتیجه این محاسبه «نرخ بازگشت سرمایه‌گذاری سالانه» نامیده می‌شود. «وایت ساس» و گروه همکارش چنین بررسی را در مورد شرکت‌های تابعه شرکت‌های چند ملیتی با مالکیت صد درصد، در کلمبیا به انجام رسانده‌اند. نتایج این بررسی در جدول شماره ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵: سرمایه‌گذاری: نرخ بازگشت سالانه:

شرکت‌های تابعه شرکت‌های چند ملیتی دارویی با مالکیت کامل: کلمبیا ۱۹۶۷

شرکت چند ملیتی	نرخ بازگشت شرکت تابعه	شرکت چند ملیتی	نرخ بازگشت شرکت تابعه	شرکت چند ملیتی	نرخ بازگشت شرکت تابعه
----------------	-----------------------	----------------	-----------------------	----------------	-----------------------

شماره ۱	%۱۹۷/۳	شماره ۶	%۳۸/۱	شماره ۱۱	%۸۸/۸
» ۲	%۹۲/۴	» ۷	%۲۰۲/۳	» ۱۲	%۲۵۶/۸
» ۳	%۲۴۷	» ۸	%۱۲۶/۱	» ۱۳	%۵۶/۵
» ۴	%۷۰۸/۳	» ۹	%۲۲/۲	» ۱۴	%۳۷۸/۹
» ۵	%۹۶۲/۱	» ۱۰	%۱۳۸	» ۱۵	%۳۵۲/۸

متوسط بازگشت اعلام شده به مقامات مالیاتی کلمبیا %۶/۷

%۱۳۶/۳

متوسط بازگشت مؤثر

مأخذ: Vaitos

با آنکه این ارقام به طرز حیرت‌آوری زیاد هستند، اما بی‌تردید ارقام واقعی درآمد شرکت‌های چند ملیتی را کمتر نشان می‌دهند. نخست اینکه، محاسبات فوق احتمال ارزان‌تر قیمت‌گذاری صادرات را، که همان‌طور که قبلاً نشان داده شد بسیار زیاد است، در بر نمی‌گیرد. دوم اینکه، این میزان بازگشت سرمایه‌گذاری برپایه ارزش خالص سرمایه‌گذاری اعلام شده توسط شرکت‌های تابعه، محاسبه شده است. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، تا به امروز تمام شواهد نشان می‌دهد که ارزش اعلام شده سرمایه‌گذاری تقریباً از ۳۰ الی ۵۰ درصد اضافه بر میزان واقعی، اعلام شده است. بدینسان تصحیح این محاسبه با در نظر گرفتن ارزش‌گذاری اضافی، ارقام فوق را بطرز قابل‌توجهی بالاتر می‌برد. یک اقتصاددان کلمبیایی به این واقعیت اشاره کرد که بین سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۶۸، متوسط نرخ بازگشت اعلام‌شده شرکت‌های چند ملیتی در تمامی بخش‌های صنعتی در کشور، ۴/۶ درصد بوده است. وی به این نتیجه رسید که قبول این مسئله بسیار مشکل است، که این شرکت‌های چند ملیتی با چنین نرخ سود اعلام‌شده‌ای، وارد سرمایه‌گذاری در کلمبیا شوند، چرا که شرکت‌های ملی کلمبیا نرخ بازگشت بالاتری داشتند و نرخ بهره نیز در بازار مالی بین ۱۶ تا ۲۰ درصد بود. امید است که تجزیه و تحلیل فوق به تبیین اینکه چرا شرکت‌های چند ملیتی به توسعه فعالیت‌های خود در کشورهای جهان سوم از جمله کلمبیا ادامه می‌دهند، بتواند کمک کند.

نتیجه‌گیری کلی در مورد تأثیر شرکت‌های چند ملیتی بر ملت‌های جهان سوم، روشن است. معلوم شد که ادعاهای مربوط به سه کمک مهم شرکت‌های چند ملیتی بیشتر افسانه است تا واقعیت. تجزیه و تحلیل ما در مورد کمک تکنولوژی شرکت‌ها، نشان داد که این امر موجبات بیکاری بیشتر و تراکم بیشتر توزیع نابرابر درآمدها را فراهم می‌آورد، ضمناً به قیمت‌های بسیار گران انتقال تکنولوژی توسط شرکت‌ها نیز اشاره شد. بررسی ما نیز نشان داد که کمک مالی شرکت‌ها در واقع بالعکس است و با جذب سرمایه‌های داخلی هم مصرف جاری و موجود پس‌اندازهای محلی و هم مصرف آتی این پس‌اندازها را برای اکثریت اهالی کشورهای کمتر توسعه یافته کاهش می‌دهد. سومین زمینه بررسی ما، یعنی کمک شرکت‌ها به تراز پرداخت‌ها نیز به نتایج مشابهی رسید. اطلاعات آماری و تجربی ما نشان داد که عملکرد صادراتی شرکت‌های چند ملیتی به نسبت شرکت‌های بومی هیچ برتری ندارد، مگر آنکه با کمتر قیمت‌گذاری صادرات همراه باشد. در حالی که جریان ورودی بالقوه تراز پرداخت‌ها به حداقل می‌رسد، جریان خروجی آن از طریق گران‌تر قیمت‌گذاری واردات و هزینه‌های متورم شده حق‌الامتیازها، افزایش می‌یابد.

تردید کمی باقی می‌ماند که چنین تأثیری از جانب شرکت‌های چند ملیتی می‌تواند به فقر زدگی بیشتر ۶۰ تا ۸۰ درصد جمعیت فقیر جهان سوم کمک کند. جمع‌بندی نتایج مشخصی که در این مقاله مورد بحث واقع گشت به یک نتیجه‌گیری کلی می‌انجامد که به اختصار باید به آن

اشاره شود. شرکت‌های چند ملیتی، در جهان سوم درگیر جریانی ساختنی هستند که قابل اغماض نیست. در بالا به این واقعیت اشاره کردیم که این جریان موجب کنترل بیشتر تکنولوژی و سرمایه مالی اکثریت کشورهای کمتر توسعه یافته می‌گردد و این امر، همان‌طور که عده‌ای از متفکران از جمله سلسوفور تادو،^۱ نشان داده‌اند، خود به وابستگی فزاینده خارجی کشورهای فقیر به چند کشور ثروتمند جهان، می‌انجامد. علاوه بر وارد ساختن تکنولوژی نامتناسب و خارج ساختن منابع مالی، این روند نیروی متزلزل کننده دیگری را نیز به همراه دارد و آن عبارت است از انتقال يك ایدئولوژی مصرفی، که در آینده قابل پیش بینی، بتواند در نهایت ۳۰ درصد و یا بطور واقع بینانه‌تر، ۲۰ درصد جمعیت کشورهای کمتر توسعه یافته را در بر گیرد و این کاری است که از طریق تبلیغات و برنامه‌های وسایل ارتباط جمعی به انجام آن دست می‌زنند. این هدف‌های مصرفی، بزرگترین بخش جمعیت این کشورها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد، این هدف‌ها به تدریج مشاهده می‌شوند، جذب می‌شوند و بخشی از زندگی فقیران، نیمه فقیران و اغنیا می‌گردد. بدینسان، همان‌گونه که شرکت‌های چند ملیتی در تجدید ساخت بخش تولیدی درگیرند، نیروی عمده‌ای نیز در تجدید ساخت «بخش» مصرفی به حساب می‌آیند. اما در اینجا تضادی آشکار به چشم می‌خورد، چرا که ساخت جدید مصرف به هیچ‌روی با ظرفیت مصرفی نامتناسبی که توسط ساخت تولیدی‌ای که شرکت‌های چند ملیتی بطرزی محسوس خلق کرده‌اند، توازن ندارد، و بنابراین شرکت‌های چند ملیتی خود

امکان حصول به هدف‌های جدید مصرفی را که بتواند به جای يك اقلیت، همگان را در بر گیرد، نفی کرده‌اند. شاید دلیل عمده سرخوردگی عمیق و فزاینده‌ای که اغلب در کشورهای توسعه نیافته قابل مشاهده است، در همین نکته نهفته باشد؛ هنگامی که بسیاری در يك احساس سرخوردگی اساسی و شدید سهیم شوند، مسئله از حوزه اقتصاد فراتر رفته، به يك مشکل اجتماعی و سیاسی تبدیل می‌شود...

منابع و ماخذ

- Aharoni, Y. (1972) "On the Definition of a Multinational Corporation", in Kapoor A. and Grubs, P.D. (eds) *The Multinational Enterprise in Transition* (Princeton: Darwin Press).
- Blair, J. M. (1972) "Economic Concentration: Structure", *Behavior and Public Policy*, (New York): Harcourt Brace Jovanovich, Inc.
- Business Latin America*, (1970) 15, January.
- Foster, S. B. (1972) "Impact of Direct Investment Abroad by United States Multinational Companies on the Balance of Payments", *Monthly Review of the Federal Reserve Bank of New York*, July.
- Furtado, C. (1974) "The Concept of External Dependence in the Study of Underdevelopment", In Wilber, C. K. (ed.) *The Political Economy of Development and Underdevelopment*, (New York: Random House).
- Grant, J. P. (1972) "Multinational Corporations and the Developing Countries: The Emerging Job Crisis and its Implication" (Washington, D. C. Overseas Development Council, January.
- Morris and Adelman, (1971) "An Anatomy of Income Distribution patterns in Developing Nations" *Economic Staff Paper*, No. 116, 18 Rd, September.
- Muller, R. and Morgenstern, (1972) "The Impact of Multinational Corporations on the Balance of Payments of LDCs: An Econometric Analysis of Pricing in Export Sales", Paper presented to the Econometrics Society Program of the American Economics Association Annual Meetings, Toronto, December 28.
- Prebish, R. (1970) *Change and Development: Latin America's*

- Great Task*, report submitted to the Inter-American Development Bank, Washington, D. C., July, UN-ECLA, *Economic Survey for Latin America*.
- Solis, L. (1971) "Mexican Economic Policy in the Post-War Period: The Views of Mexican Economists", *American Economic Review*, XVI, No. 3, Part 2 Supplement June.
- Sunkel, O. (1970) IDB/UN Seminar on Marginality in Latin America, Santiago, November 23-27.
- Thorbeche, E. (1970) *Employment and Output: A Methodology Applied to Peru and Guatemala* Paris: Development Center, OECD.
- Vaitsos, C. (1971) "The Process of Commercialization of Technology in the Andean Pact: A Synthesis", Andean Group Document, Lima October.
- Vaitsos, C. (1973) "Patents Revisited: Their Function in Developing Countries", *The Journal of Development Studies*.
- UNCTAD, (1972) *Restrictive Business Practices* TD/122/Supp. 1, Santiago de Chile, 7, January.
- UN-ECLA, (1966) *The Process of Industrial Development*, New York, UN.
- UN-ECLA, (1969) *Economic Survey for Latin America*, New York, UN.

ضمیمه

بین‌المللی شدن روابط سرمایه‌داری...

... نظریه‌هایی که در مورد رابطه کشورهای «متروپل» و «قمر»، توسط متفکران مختلف ارائه شده، در دو دسته متفاوت قرار می‌گیرند. نظریه‌های دسته اول بر اساس برداشت چپ جدید از مفهوم «فوق امپریالیسم»^۱ کائوتسکی شکل گرفته است. شکل‌های مختلف چنین موضعی را در آثار نویسندگان چون سویزی،^۲ مگداف،^۳ نیکلاوس،^۴ ژاله^۵ و دیگران می‌توان یافت. این نظریه پردازان با آنکه تسلط آمریکا بر سایر کشورهای سرمایه‌داری غرب را به وضوح روشن می‌سازند، اما تضادهایی را که به دلیل توسعه ناموزون بین آنها پدید آمده، دست کم می‌گیرند و در این زنجیره امپریالیستی^۶ تنها بر تمایز بین «مرکز» و «قمر» تکیه می‌کنند. تجزیه و تحلیل‌هایی که آنان از روابط بین

1. Ultra - Imperialism، اساس تئوری کائوتسکی در مورد امپریالیسم، که مورد انتقاد متفکران هم‌عصر خود نیز واقع گشت، مبتنی بر اتحاد و توافق قدرت‌های مختلف امپریالیستی و ایجاد يك فوق قدرت امپریالیستی در مقابل کشورهای زیر سلطه می‌باشد.

2. Sweezy (1968)

3. Magdoff (1968)

4. Nicolaus (1970)

5. Jalee (1970)

6. Imperialist Chain